EFFECT OF CLINICAL SUPERVISION ON THE FACULTY TEACHING QUALITY AT NURSING AND MIDWIFERY SCHOOL IN ISFAHAN UNIVERSITY OF MEDICAL SCIENCES

Author: Salehi Sh

Introduction: In recent years, professional development of teachers has become an important issue in educational system. The question of work has been the kind of supervision needed to save and secure teacher's successful performance in his/her teaching career. The present study aimed at answering this question.

Methods: The study was preformed in two phase: At first a quasi-experiment on ۳۷۲ randomly selected students was done. The exposed group's teachers were under clinical supervision. In the second phase, the clinical supervision method was evaluated based on opinions of ۵۰ faculties and educational authorities.

Results: In the exposed group, the rate of student's learning proved to be significantly higher (P<۰,۰۰۱). Those students evaluated their teacher's professional behaviors as more positive compared to teacher evaluations made by students in the control group (P<۰,۰۰۱). Full agreement and agreement to perform clinical supervision were expressed by ۶۲,۵ percent of respondents in the second phase study, whereas ۹۱,۷ percent of the same attitude was found toward self-evaluation (The latter was expressed as one of the best solutions for quality problems of teaching). The majority of respondents insisted on maintaining stable environment for teaching, a decrease in number of students and proper teacher selection methods as the other solutions.

Conclusion: Applying clinical supervision method had a positive effect on students learning and teachers' performance. Thus this method should be considered as one of the basic ways to develop educational system in the field of medical sciences.

Key words: Clinical Supervision – Teacher Evaluation – Nursing.

Address: Salehi Shayesteh; School of Nursing and Miduifery, Isfahan University of Medical Sciences and Health Services, Isfahan, Iran

Source: Iranian Journal of Medical Education ۲۰۰۰ ۱(۱): ۵٤-٦۱

[Downloaded from ijme.mui.ac.ir on 2026-11-03]

تأثير كاربرد الگوی نظارت بالينی بر كيفيت تدريس مدرسين دانشكدۀ پرستاري و مامايي دانشگاه علوم پزشكي اصفهان

شايسته صالحي

چكيده مقاله

مقدمه. در سالهاي اخير تكامل حرفه اي مدرسين به عنوان يكي از اجزاء با اهميت نظام آموزش، مورد تأكيد قرار گرفته و ايـن موضـوع درحـال حاضر مطرح است كه چگونه نظارتي بر فعاليتهاي مدرسين معمول گردد تا بتوانند باتوجه به تحولات روزافزون دنياي امروز، در هر شرايط و بـا هر امكاني در انجام وظايف و نقشهاي محوله موفق گردند و با مشكلات حرفه اي مقابله مناسبي داشته باشند. اين پژوهش به منظـور دسـتيابي به پاسخي مناسب براي اين سؤال صورت گرفته است.

روشها. اين تحقيق مطالعه اي است كه در دو مرحله صورت پذيرفته. در مرحله اول مطالعه اي نيمه تجربي بر روي ۳۷۲ نفر دانشجو كه به طور تصادفي ساده انتخاب شدند، در دو گروه اصلي و شاهد انجام شد. مدرسين دانشجويان گروه اصلي تحت نظارت باليني قرار گرفتند و مدرسـين گروه شاهد به طور معمول نظارت شدند. سپس بهبود يادگيري دانشجويان و نيز ارزشيابي ايشان از رفتارهاي حرفـه اي مدرسـين خـود در دو گروه اندازه گيري و مقايسه گرديد. در مرحله دوم الگوي نظارت باليني مـورد آزمـايش درمعـرض نظرخـواهي ۵۰ نفـر از اسـتادان و مـسؤولان آموزشي دانشگاه علوم پزشكي اصفهان كه به طور تصادفي ساده انتخاب گرديده بودند، قرار گرفت.

يافته هـا. يادگيري دانشجويان گروه اصلي به طور معني داري از گروه شاهد بهتر بوده و نيز ايشان رفتارهاي حرفه اي مدرسين خود را به ميزان بيشتري مثبت ارزشيابي نموده اند (P< ۰/۰۰۱). همچنين ۶۲/۵ درصد از اسـاتيد و مـسؤولين آموزشـي دانـشگاه علـوم پزشـكي و خـدمات بهداشتي – درماني استان اصفهان با اجراي الگوي نظارت باليني مطرح شده موافق و كاملاً موافق بودند، ۹۱/۷ درصد با انجام خودارزيابي موافق و كاملاً موافق بودند و آن را يكي از بهترين راه حلهاي بهبود تدريس دانسته اند. به علاوه، اكثريت پاسخ دهنـدگان بـر فـراهم نمـودن شـرايط محيطي با ثبات، بركاهش تعداد دانشجو و انتخاب صحيح علمي و عملي مدرسين تأكيد داشتند.

بحث: اجراي نظارت باليني مي‌تواند بر بهبودي يادگيري دانشجويان و رفتارهاي حرفه‌اي مدرسين تأثير مثبت داشته باشد و لذا به عنوان يكـي از راه‌حلهاي اساسي در توسعه نظام آموزش علوم پزشكي بايستي مورد توجه قرار بگيرد.

واژه هاي اصلي. نظارت بالينی؛ خود ارزيابي ؛ حرفه معلمي.

مقدمه

نظام آموزشي به مجموعه اي اطـلاق مـي گـردد كـه داراي وظايف خاصي مي باشد تا ازطريق اجـراي آن وظـايف، امكـان دستيابي به اهداف مورد نظر فراهم گردد. اين مجموعه شـامل عوامل مختلف انساني، فيزيكي و مالي است كه با همـاهنگي و عملكرد صحيح، امكان موفقيت در تعليم و تربيـت مـورد نظـر جامعه را هموار مي سازد.

نظام آموزشي علوم پزشـكي در واقـع مجموعـه اي در درون آموزش عالي است كه ازطريـق انجـام وظـايف مهمـي، چـون: آموزش، پژوهش، ارائـه خـدمات بـه جامعـه، تكامـل حرفـه‌اي رشته‌هاي گوناگون درون خود و توسعه انتشارات، دستيابي بـه اهداف مورد نظر دانشگاههاي علوم پزشكي را ميسر مي سازد.

به منظور ايجاد و گـسترش تحـول در نظـام آمـوزش علـوم پزشكي، توجه بـه : توانـايي‌هـاي حرفـه‌اي مدرسـين، كيفيـت تحصيلي دانشجويان، چگونگي برنامه ريزي درسي و نظارت و ارزشـيابي، از جملـه شـاخص هـاي كيفـي بـسيار مهـم تلقـي مي شود.

در سالهاي اخير، تكامل حرفه اي مدرسين به عنوان يكـي از اجزاء با اهميت نظام آموزشي، مورد تأكيد قرار گرفتـه اسـت و اين موضوع در حـال حاضـر مطـرح اسـت كـه بـر فعاليتهـاي مدرسين چگونه نظارتي معمول گـردد تـا بتواننـد باتوجـه بـه تحولات روزافزون دنياي امروز، در هر شرايط و بـا هـر امكـاني درانجام وظايف و نقش هايي كه بر عهده شان قرار مـي گيـرد موفق گردند و با مشكلات حرفـه اي برخـورد مناسـبي داشـته باشند، اين امر ازطريق نظارت آموزشي فراهم مي گردد.

رهبري آموزشي به مجموعه فعاليتهاي درون نظام آموزشي و در سطوح مختلف اطلاق مي گردد. بخشي از رهبري، نظـارتي

آدرس: دكتـر شايـسته صـالحي، دانـشكده پرسـتاري و مامـايي، دانشگاه علوم پزشكي و خدمات بهداشـتي درمـاني اسـتان اصـفهان، تلفن: ۷۹۲۲۹۶٤ - ۰۳۱۱

[Downloaded from ijme.mui.ac.ir on 2026-11-03]

است که بر کار مدرسین صورت مـي‌گيـرد و مـي توانـد بـه دو شکل انجام پذيرد:

شکل اول، نظارت اداري يا «ارزشيابي محور» است که بطـور مستقيم و رسمي صورت مي گيرد، تأکيد آن قضاوت بـر نحـوه تدريس مدرس است و هـدف آن افـزايش کـارايي و اثربخـشي آموزشي است و هدف آن افزايش کارايي و اثربخـشي آموزشـي است و به طور معمـول از طريـق انجـام ارزشـيابي فعاليتهـاي حرفه‌اي مدرس صورت مي‌گيرد.

شکل دوم، نظارت باليني يا «مدرس محور» است که بيـشتر به صورت غيرمستقيم و غيررسمي صورت مي‌پذيرد تأکيـد آن بر رشد حرفه اي مـدرس اسـت و هـدف آن بهبـود يـادگيري فراگيران مي‌باشد و ازطريق برقراري تعامل مناسب بـا مـدرس در محيط آموزشي، رفتار واقعي وي، با مشارکتِ خـود او مـورد مطالعه قرار مي‌گيرد و با تداوم ارتباط مـشاوره‌اي بـا او، بهبـود کيفيت فرآيند تدريس – يادگيري فراهم مي‌گـردد. بکـارگيري واژة «نظارت باليني» نه به معناي نظارت در محـيط آموزشـي کنار تخت بيمار است، بلکه به معنـاي نظـارت بـر فعاليتهـا در محيط واقعي آنهاست.

اما سؤال اين است که باتوجه به شرايط فرهنگي – اجتماعي جامعه کنوني و نيازهاي نظام آمـوزش علـوم پزشـکي، الگـوي مناسب نظارت آموزشي که بتواند به بهبود کيفيـت تـدريس – يادگيري منجر گردد، کدام است؟

در تعليم و تربيـت، علـوم پزشـکي هماننـد سـاير بخـشهاي آموزش عالي، هسته اصلي يادگيرندگان مي باشند که ازطريـق شرکت فعالانه در فرايندهاي تعلـيم و تربيـت بـه فرهيختگـي دست مي‌يابند و با کسب دانش، نگرش و مهارتهاي لازم تبحـر حرفه‌اي خاصي را بدست مي‌آورند و به ارائه خدمت به جامعـه مي‌پردازند. ياددهندگان عامـل پراهميتـي در فراينـد تعلـيم و تربيت يادگيرندگان مي‌باشند که ازطريق تمرکـز بـر يـادگيري آنان، به ايفاء نقش حرفه‌اي خود اقدام مي‌نمايند. لذا مـي‌تـوان گفت توسعه حرفه‌اي مدرسـين دانـشگاههاي علـوم پزشـکي و خدمات بهداشتي – درمـاني ازطريـق اجـراي الگـوي مناسـب نظارتي مي‌تواند به بهبود کيفيت يادگيري دانشجويان و توسعه نظام آموزش علوم پزشکي منجر گردد که پيامـد آن دسـتيابي به اهداف با اهميت دانشگاههاي علوم پزشکي خواهد بود.

پژوهشگر بر آن شد تا مؤلفه‌هاي مورد نياز نظارت بـاليني را تعيين نموده و الگوي نظارتي را درمورد نمونـه‌اي از مدرسـين دانشکده پرستاري و مامايي بکار گيرد و با نظرخواهي از اساتيد و مسؤولين آموزشي دانشگاه علوم پزشکي اصفهان درمـورد آن الگوي منا

تأثير کاربرد الگوي نظارت باليني بر کيفيت تدريس

روشها

پژوهش حاضر به منظور تعيين تأثير الگـوي نظـارت بـاليني (شکل ۱) بر کيفيت تدريس مدرسين صورت گرفتـه اسـت. در مرحله اول براي کاربرد الگوي تدوين شده طرح، تحقيق نيمـه آزمايشي به صورت دو گروهي صـورت گرفـت. در مرحلـه دوم نظرات اسـاتيد و مـسؤولين آموزشـي دانـشگاه علـوم پزشـکي درمورد مؤلفه‌هاي مهم الگو، طي يك پژوهش توصيفي تعيـين گرديد.

در مرحله اول پژوهش، جامعه موردنظر، دانشجويان دانشکده پرستاري و مامايي بودند که تعداد ۳۷۲ نفر از ايشان به عنـوان نمونه، به صورت تصادفي انتخاب و در دو گـروه اصـلي و گـواه قرار گرفتند. گروه اصلي، دانشجوياني بودند که مدرسيان ايشان تحـت برنامـه «نظـارت بـاليني» قـرار گرفتنـد و گـروه گـواه دانشجوياني بودند که مدرسـان ايـشان تحـت نظـارت معمـول دانشگاه قرار داشتند. تعداد مدرسان در هر گروه ٦ نفر و تعداد دانشجويان ايشان در دروس نظري ۲۵ نفر و در دروس عملـي ٦ نفر بودند.

در مرحله دوم، تعداد ۵۰ نفر از اساتيد و مسؤولين آموزشـي دانشکده‌هاي پرستاري و مامايي و بهداشت بـه طـور تـصادفي ساده انتخـاب گرديـده و نظـرات ايـشان در رابطـه بـا الگـوي «نظارت باليني» مورد بررسي قرار گرفت.

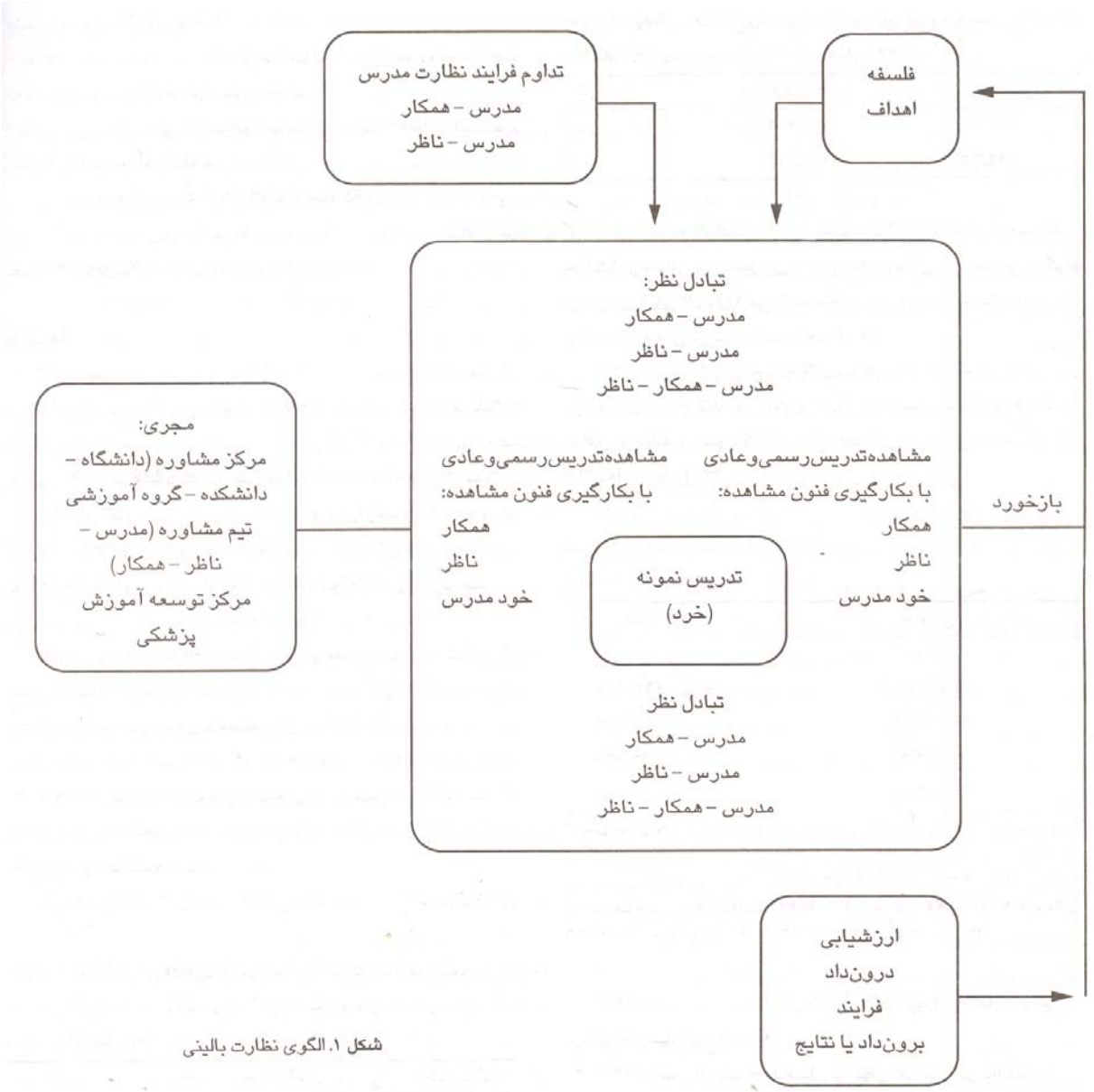
در مرحله اول، روش کار بدين صورت بود کـه مدرسـان در هر دو گروه به تدريس دروس نظـري و عملـي مـشابه اشـتغال داشته و روش تدريس ايشان نيز تقريباً مشابه بـوده همـاهنگي لازم در اين مورد توسط پژوهشگر به عمل آمـد. در طـي يـك نيمسال، در مورد مدرسان دانـشجويان گـروه اصـلي، «نظـارت باليني» بکار گرفته شد و درمـورد مدرسـان دانـشجويان گـروه گواه، روال نظارت و ارزشـيابي عـادي نظـام آموزشـي معمـول گرديد. سپس نمرات پيش آزمون و پس‌آزمـون دانـشجويان در حيطه آموزش نظري و عملي در دو گـروه سـنجيده و مقايـسه شد. همچنين ديدگاه دانشجويان در مورد رفتارهـاي حرفـه‌اي مدرسان در عرصه يادگيري طبـق فرمهـاي پرسـشنامه‌اي کـه اعتبار آن ازطريق يـك مطالعـه مقـدماتي و بـا آزمـون مجـدد تعيين گرديده بود، در دو گروه اصلي و گواه تعيـين و مقايـسه شد. روش نظارتي بکار گرفته شده درمورد مدرسان دانشجويان گرو ه اصلي به قرار زير بوده است:

- انجام يك تدريس خرد (نمونه) توسـط هـر يـك از مدرسـين گروه آزمايش براي همکاران خود (پنج نفر ديگر).
- برگزاري جلسه تبادل نظـر بـه صـورت فـردي بـراي تحليـل تدريس مدرس، با تأکيد بر روابط مشاوره‌اي و خـود راهبـري مدرس.

[Downloaded from ijme.mui.ac.ir on 2026-11-03]

- برگزاري جلسه تبادل نظر گروهي با پنج نفر همكاران گروه درصورت تمايل مدرس كه هر شش نفر چنين تمايلي را داشتند.
- بازنگري طراحي آموزشي مدرس در مورد درس نظري و عملي رسمي خود در يك جلسه، تبادل نظر فردي توسط خود مدرس و ناظر.
- تصميم گيري درمورد بهبود عوامل مربوط به تدريس، زمان و نحوه مشاهده توسط خود مدرس و با مشاوره ناظر.
- مشاهده تدريس توسط ناظر با استفاده از حداقل دو روش مشاهده كه در $\frac{1}{3}$ اول طول ترم صورت گرفت.
- جلسه تبادل نظر پس از مشاهده و تحليل تدريس توسط خود مدرس و ناظر.
- طراحي آموزش مجدد توسط مدرس و اعلام زمان و نحوه مشاهده مناسب و مورد نظر وي به ناظر.
- مشاهده مجدد تدريس توسط ناظر با استفاده از حداقل دو روش مشاهده كه در نيمه دوم ترم تحصيلي صورت گرفت.
- جلسه بازخورد نهايي تدريس توسط مدرس و ناظر كه قبل از اتمام ترم تحصيلي دانشجويان انجام شد.

در مرحله دوم، پرسشنامه اي كه در زمينه الگوي «نظارت باليني» تدوين گرديده بود، براي ۵۰ نمونة مورد پژوهش ارسال گرديد كه از اين تعداد ۴۸ نفر پرسشنامه ه را تكميل و بازگرداندند.



شكل ۱. الگوى نظارت باليني

[Downloaded from ijme.mui.ac.ir on 2026-11-03]

يافته ها

تفاوت ميانگين نمرات پيش آزمون و پس آزمون دانشجويان گروه آزمايشي در درس نظري ۸/۸۲۵ و همچنين تفاوت ميانگين نمرات پيش آزمون و پس آزمون دانشجويان گروه گواه در درس نظري ۵/۷۴۰ مي باشد كه اين تفاوتها با P< ۰/۰۰۱ معني دار بود.

ميانگين تفاوت نمرات پيش آزمون و پس آزمون دانشجويان گروه آزمايش و گواه در درس نظري ۳/۷۴۵ و نيز تفاوت ميانگين نمرات پيش آزمون و پس آزمون و دانشجويان گروه آزمايش در درس عملي ۱۰/۴۴۴ مي باشد كه تفاوت آنها معني‌دار بود (P< ۰/۰۰۱).

تفاوت ميانگين نمرات پيش آزمون و پس آزمون دانشجويان گروه گواه در درس عملي ۸/۰۵۵ و ميانگين تفاوت نمرات پيش آزمون و پس آزمون دانشجويان دو گروه آزمايش و گواه در درس عملي ۲/۳۸۸ مي باشد كه باز هم تفاوت آنها معني‌دار بود (P<۰/۰۰۱) (جدول ۱). تفاوت معني‌داري بين ميانگين نمرات پيش آزمون دانشجويان دو گروه آزمايش و گواه در درس عملي و نظري وجود نداشته است.

تفاوت ميانگين نمرات ارزشيابي دانشجويان از مدرسان دو گروه آزمايش و گواه در درس نظري ۳۱/۳۰۶ و تفاوت ميانگين نمرات ارزشيابي دانشجويان از مدرسان دو گروه آزمايش و گواه در درس عملي ۱۳/۵۲۷ مي‌باشد كه در هر دو مورد با P<۰/۰۰۱ اين تفاوت معني‌دار بوده است (جدول ۲).

جدول ۱. ميانگين نمرات پيش‌آزمون و پس‌آزمون پيشرفت تحصيلي و ميانگين تفاوت نمرات دانشجويان گروه اصلي و گواه در دروس نظري (n=۱۵۰) و عملي (n=۳۶).

نوع آزمون	امتيازات اصلي	امتيازات گواه
درس نظري		
پيش آزمون	۶/۶۴۷	۶/۲۵۳
پس آزمون	۱۵/۴۷۲	۱۱/۰۳۳
ميانگين تفاوت نمرات	۸/۸۲۵	۵/۰۸۰
درس عملي		
پيش آزمون	۵/۷۲۲	۵/۵۰۰
پس آزمون	۱۶/۱۶۶	۱۳/۵۵۵
ميانگين تفاوت نمرات	۱۰/۴۴۴	۸/۰۵۵

P<۰/۰۰۱

جدول ۲. ميانگين نمرات ارزشيابي دانشجويان گروه اصلي و گواه از مدرسان در دروس نظري (n=۱۵۰) و عملي (n=۳۶).

گروه	امتيازات نظري	امتيازات عملي
اصلي	۱۴۴/۷۵۳	۱۲/۷۷۷
گواه	۱۱۳/۴۴۶	۱۱۲/۲۵

۶۲/۵ درصد از پاسخ دهندگان با اجراي «نظارت باليني» و مؤلفه هاي مطرح شده در الگوي «نظارت باليني» موافق و كاملاً موافق بوده‌اند و هيچ يك از پاسخ دهندگان مخالفتي با اجراي آن نداشته‌اند (جدول ۳).

جدول ۳. فراواني و درصد امتيازات مربوط به نظرخواهي درمورد اجراي مراحل و مؤلفه هاي «نظارت باليني»

امتياز*	فراواني
۱۰۰-۱۱۵	۵(%۱۰/۴)
۱۱۶-۱۳۰	۱۳(%۲۷/۱)
۱۳۱-۱۴۵	۲۲(%۴۵/۸)
۱۴۶-۱۶۰	۸(%۱۶/۷)
جمع كل	۴۷(%۱۰۰)

* مجموعه امتيازات هر پرسشنامه محاسبه و سپس طبقه بندي گرديد و در چهار طبقه قرار گرفت پرسشنامه با امتياز كمتر از ۱۰۰ و بيشتر از ۱۶۰ وجود نداشت لازم به يادآوري است كه امتياز پرسشنامه‌ها حداكثر ۳۳×۵ و حداقل ۳۳×۱ مي توانست باشد، به اين صورت: كاملاً مخالف ۳۳×۱=۳۳ ؛ موافق ۱۲۴=۴×۳۳ ؛ مخالف ۶۶=۲×۳۳ ؛ نسبتاً موافق۹۹=۳ ×۳۳ ؛ كاملاً موافق ۱۶۵=۵×۳۳.

۸۳/۳ درصد پاسخ دهندگان كاملاً موافق اجراي «نظارت باليني» بر كار مدرسان بوده اند.

۶۴/۶ درصد از پاسخ دهندگان با نظرخواهي از دانشجويان درباره مدرس كاملاً موافق يا موافق بودند. البته در بسياري موارد عقيده داشتند كه زمان مناسب، سؤالات مناسب و انتخاب درست دانشجو براي نظرسنجي بسيار مهم مي باشد.

۴۵/۹ درصد از پاسخ دهندگان با ارزشيابي توسط همكار موافق يا كاملاً موافق بودند. شرايط نامناسب، رقابت كاذب و وجود افراد نالايق از جمله مواردي بوده كه در مخالفت با اين مورد مطرح شده بود.

۹۱/۷ درصد با انجام خود ارزشيابي كاملاً موافق و موافق بوده و اغلب آن را شرايط اصلي موفقيت «نظارت باليني» مي دانستند.

۷۷/۱ درصد پاسخ دهندگان با انجام نظارت توسط فردي متخصص در آموزش و در زمينه رشته تحصيلي مدرس كاملاً موافق و موافق بودند.

۷۳/۴ درصد از پاسخ دهندگان با انجام نظارت در كليه مراحل تدريس مدرس كاملاً موافق و موافق بودند.

۸۷/۵ درصد از پاسخ دهندگان با انجام تدريس نمونه و داوطلبانه توسط مدرس كاملاً موافق و موافق بودند.

۸۵/۴ درصد از پاسخ دهندگان با نشست مدرس و همكاران به منظور تحليل تدريس و ارائه راه حلهاي مناسب كاملاً موافق و موافق بودند.

[Downloaded from ijme.mui.ac.ir on 2026-11-03]

۹۱/۷ درصد از پاسخ دهندگان با نشست مدرس و ناظر به منظور تحليل تدريس و ارائه راه حلهاي مناسب كاملاً موافق و موافق بودند.

۷۵ درصد از پاسخ دهندگان با مشاهده تدريس رسمي و عادي مدرس توسط ناظر (متخصص در رشته آموزش و در رشته تخصصي مدرس) كاملاً موافق و موافق بودند.

همچنين درمورد روشهاي مشاهده تدريس مدرس، اكثريت پاسخ دهندگان با اغلب روشها كاملاً موافق و موافق بودند، اما روش ثبت حكايت گونه با ٤٣/٧ درصد كمترين امتياز را داشت در حالي كه ثبت جريان كلامي با ۸۷/۵ درصد، ثبت نحوه بازخورد با ۸۵/٤ درصد و پاسخ مدرس به پرسشنامه مربوط به رفتارهاي ارتباطي، نحوه تدريس و تخصص خود با ۸۱/۲ درصد بيشترين امتيازات را داشتند.

۸۱/۳ درصد پاسخ دهندگان با نشست مجدد مدرس و ناظر به منظور تحليل تدريس مشاهده شده كاملاً موافق و موافق بودند.

۷۵ درصد از پاسخ دهندگان با مشاهده مجدد تدريس مدرس در اين مرحله كاملاً موافق و موافق بودند.

۹۵/۸ درصد از پاسخ دهندگان با نشست نهايي مدرس و ناظر براي بازخورد نهايي كاملاً موافق و موافق بودند.

۹۸ درصد از پاسخ دهندگان كاملاً موافق و موافق بودند كه از اين مرحله به بعد فرآيند نظارت توسط «خود مدرس» ادامه يابد.

٦٤ درصد از پاسخ دهندگان با انجام نظارت همتا از اين مرحله به بعد كاملاً موافق و موافق بودند.

بيش از ۷۲ درصد از پاسخ دهندگان با وجود مركز مشاوره در زمينه تدريس – يادگيري در جهت كمك به توسعه حرفه‌اي در دانشگاه، دانشكده‌ها و گروههاي آموزشي كاملاً موافق و موافق بودند.

۹۰ درصد از پاسخ دهندگان با وجود ساختار و تشكيلات و برنامه ريزي خاص براي «نظارت باليني» كاملاً موافق و موافق بودند.

۷۳ درصد از پاسخ دهندگان با اجراي فرآيند «نظارت باليني» توسط مركز توسعه آموزش پزشكي كاملاً موافق و موافق بودند.

و بالاخره ٦۹ درصد از پاسخ دهندگان با قرار دادن «نظارت باليني» در برنامه هاي توسعه منابع انساني كاملاً موافق و موافق بودند.

به علاوه، درمورد نظارت بر كار مدرسان در نظام آموزشي علوم پزشكي، اكثريت پاسخ دهندگان بر موارد زير تأكيد داشتند:

- انجام نظارت پويا بايستي با حفظ اعتبار و شخصيت مدرس همراه باشد.
- تأكيد بر توانمنديها و نقاط مثبت در كمك به رشد و توسعه حرفه اي لازم است.
- انجام نظارت توسط تيم ويژه اي كه مدرس يكي از اعضاي اصلي آن باشد، مفيد خواهد بود.
- خود ارزشيابي يكي از بهترين راه حلهاي بهبود تدريس است.
- فراهم نمودن امكان اعتماد در محيط كار و رضايت شغلي براي مدرسان بايستي هدف عمده نظارت باشد.
- اجراي نظارت باليني برنامه ريزي شده و با اطلاع و توافق مدرس با موفقيت همراه است.
- توجه به محصول كار (يادگيري دانشجويان) و نظرخواهي از آنان به شرط درست انجام شدن در «نظارت باليني» لازم است.
- فرآيند «نظارت باليني» بايستي بصورت روشن و واضح و صحيح براي كليه افراد دست‌اندركار توضيح داده شود.
- نظارت نزديك و مستقيم مي‌تواند توسط مدير گروه آموزشي صورت گيرد.
- برگزاري آموزشهاي ضمن خدمت بازآموزي و كارگاههاي آموزشي در زمينه تدريس – يادگيري و روشهاي نوين آموزشي لازمه اجراي «نظارت باليني» است.
- و نهايتاً اغلب پاسخ دهندگان بر فراهم آوردن شرايط محيطي با ثبات، كاهش تعداد دانشجو در كلاس يا محيط يادگيري ديگر، تقويت علاقه و انگيزه دانشجويان و انتخاب صحيح علمي و عملي مدرسان تأكيد داشتند.

بحث

ميانگين تفاوت نمرات آزمون پيشرفت تحصيلي درس نظري دانشجويان گروه آزمايش كه مدرسان ايشان الگوي «نظارت باليني» را دريافت نموده‌اند با ميانگين تفاوت نمرات آزمون پيشرفت تحصيلي درس نظري دانشجويان گروه گواه كه مدرسان ايشان روند جاري آموزشي را سپري كرده‌اند (روند جاري نظارت اداري يا ارزشيابي محور است) تفاوت معني داري داشته است ($P<۰/۰۰۱$). اين موضوع نشان دهندة آن است كه كاربرد الگوي مذكور قادر است بر پيشرفت تحصيلي دانشجويان تأثير بگذارد.

به منظور تعيين اينكه تا چه حد تفاوتهاي فردي فراگيران در اين تفاوت تأثير داشته است، نمرات پيش آزمون دانشجويان در دو گروه آزمايش و گواه مقايسه گرديده است. تفاوت معني داري در اين زمينه وجود نداشت. بنابراين، مي توان گفت تفاوتهاي نمرات، تحت تأثيركاربرد الگو بوده است با تأكيد بر اين نكته كه دانشجويان نيز به صورت تصادفي در دو گروه جايگزين شده بودند. در اين زمينه Worth معتقد است كاربرد «نظارت باليني» نتايج فعاليتهاي حرفه اي را مؤثر مي‌سازد و از آنجا كه نتيجه فعاليت مدرسان، يادگيري دانشجويان است، لذا انتظار مي‌رود كه با استفاده از نظارت باليني، يادگيري و پيشرفت

[Downloaded from ijme.mui.ac.ir on 2026-11-03]

تحصيلي آنها افزايش يابد. همچنين شيرازي معتقد است كه فعاليت‌هاي نظارت آموزشي نهايتاً بايستي منجر به بهبود برنامه درسي، شيوة آموزشي و يادگيري فراگيران شود(٢).

Severinsson نيز اعتقاد دارد كه نظارت باليني ازطريق استفاده از روشهاي مختلف و براساس توجه به رشد فردي و گروهي نهايتاً منجر به بهبود نتايج فعاليتهاي حرفه اي مدرس خواهد شد كه همان يادگيري شناختي، عاطفي و رواني – حركتي دانشجويان مي باشد(٣).

ميانگين تفاوت نمرات آزمون پيشرفت تحصلي در درس عملي دانشجويان گروه آزمايش كه مدرسان ايشان الگوي نظارت باليني دريافت نموده اند با ميانگين تفاوت نمرات آزمون پيشرفت تحصيلي در درس عملي دانشجويان گروه گواه كه مدرسان ايشان روند جاري آموزشي را سپري كرده‌اند، تفاوت معني داري داشته است (P< ٠/٠٠١). اين مطلب بدين معني است كه كاربرد الگوي نظارت باليني مي‌تواند بر پيشرفت تحصيلي دانشجويان و يا بعبارتي، بر يادگيري ايشان تأثير بگذارد.

به منظور تعيين اينكه تا چه حد تفاوتهاي فردي فراگيران بر اين تفاوت تأثير داشته است، ميانگين نمرات پيش آزمون درس عملي دانشجويان در دو گروه آزمايش و گواه مقايسه گرديد. نظر به اينكه تفاوت معني داري در اين زمينه وجود نداشت و با تأكيد بر اين نكته كه دانشجويان به طور تصادفي در دو گروه جايگزين شده‌اند، مي توان گفت تفاوت ميانگين نمرات پيشرفت تحصيلي تحت تأثير كاربرد الگو بوده است. به نظر Burnard، فعاليتهاي نظارت باليني به عنوان يك سري فعاليتهاي كمك دهنده در تدريس و يادگيري مهارتهاي عملي به حساب مي‌آيد(٤).

به علاوه، Barber معتقد است كه اعمال نظارت باليني بر مدرسان، باعث خواهد شد آنان نسبت به شناخت نيازهاي يادگيري دانشجويان خود هشيارتر گرديده و درنتيجه ازطريق اخذ راهبردهاي مناسب به بهبود يادگيري ايشان نائل شوند(٥).

باتوجه به تفاوت ميانگين نمرات ارزشيابي دانشجويان، دو گروه اصلي و گواه از اساتيد دروس نظري مربوطه (P<٠/٠٠١) مي توان گفت كاربرد «نظارت باليني» توانسته است به بهبود حرفه اي مدرسان منجر گردد و رفتارهاي حرفه اي بهتري را در مقايسه با مدرسان گروه گواه نشان دهند.

Gorgon نيز اعتقاد دارد كه نظارت باليني مي تواند عامل بسيار مؤثري بر بهبود آموزش مدرسان گردد(٦).

در همين مورد Krischlings نيز عقيده دارد كه داشتن تدريس مؤثر يكي از شاخص هاي پراهميت در كيفيت كار مدرسان است و به منظور شناخت آن، نظر دانشجويان (درك و شناخت دانشجويان) درمورد تدريس، يكي از مناسب‌ترين راهها مي‌باشد. ديدگاه دانشجويان درمورد نحوة برقراري ارتباط، شيوه‌هاي تدريس و ميزان تخصص و شايستگي مدرسان بايستي در توضيح تدريس مؤثر بكار گرفته شود(٧).

تفاوت ميانگين نمرات ارزشيابي دانشجويان از تدريس عملي اساتيد گروه اصلي و گواه معني دار بوده (P<٠/٠٠٣) و مي توان نتيجه گرفت كه كاربرد نظارت باليني همچنان توانسته است باعث بهبود كيفيت رفتارهاي حرفه‌اي مدرسان در محيطهاي يادگيري عملي از ديدگاه دانشجويان گردد.

به نظر Nehring دانشجويان به عنوان دريافت كنندگان خدمات حرفه اي مدرسان بهترين منبع براي شناسايي رفتارهاي آموزش باليني مدرسان خود هستند(٨).

همچنين Flagler تأكيد مي نمايد با توجه به تأثير عميقي كه مدرسان باليني بر يادگيري دانشجويان دارند، ديدگاه ايشان نسبت به چگونگي رفتار مدرسان خود مي‌تواند بسيار با اهميت باشد(٩).

براساس نتايجي كه پيرامون اهداف پژوهش مورد بحث قرار گرفت، بايستي گفت:

- مؤلفه‌هاي «نظارت باليني» به عنوان عوامل كاملاً مفيدي در نظام نظارت بر كار مدرسان تعيين گرديدند.
- كاربرد الگوي «نظارت باليني» باعث بهبود يادگيري دانشجويان گرديده است.
- كاربرد الگوي «نظارت باليني» بر ديدگاه دانشجويان درمورد رفتارهاي حرفه‌اي مدرسيني كه در معرض آن قرار گرفتند، تأثير مثبت داشته است.

و نهايتاً براساس نتايج حاصل مي توان گفت «نظارت باليني» تدوين شده تأثير لازم را درجهت بهبود كيفيت تدريس – يادگيري در نظام آموزشي داشته است.

References

١- Worth B. Preparing to take on clinical supervision. Nursing Standard. ١٩٩٤; ٨١(٥٢): ٣٢-٣٤.

٢- شيرازي ع. مديريت آموزشي. مشهد: انتشارات جها دانشگاهي، ١٣٧٤: ٢٦٤.

٣- Severinsson EI. Clinical supervisor's views of their leadership role in gthe clinical supervision process within nursing care. Journal of Advanced Nursing. ١٩٩٦; ٢٤: ١٥١-١٦١.

٤- Burnard PH. A supporting act. Nursing Times. ١٩٨٨; ٨٤(٤٦): ٢٧-٢٨.

٥- Barber P. Skills in supervision. Nursing Times. ١٩٨٧; ١٤:٥٦-٥٧.

٦- Gorgon BG. Making clinical supervision a reality: Step toward implementation. Nassp Bulletin. ١٩٩٢; ٦٩(٥٤٢): ٤٦-٥١.

٧- Krischlings JM. Evaluating teaching effectiveness. J of Nurs Educ. ١٩٩٥; ٣٤(٩): ٤-٥.

[Downloaded from ijme.mui.ac.ir on 2026-11-03]

۸- Nehring V. Nursing clinical teacher effectiveness investigation. Journal of Advanced Nursing. ۱۹۹۰; ۱۵: ۹۳٤-۹٤۰.
۹- Flagler S. Clinical teaching is more than Evaluation alone. Journal of Nure Edu. ۱۹۸۸; ۲۷: ۳٤۲-۳٤۸.

[Downloaded from ijme.mui.ac.ir on 2026-11-03]